

تحلیل مقایسه‌ای اقتصاد تنظیم‌گری با توجه به موضوع حقوق رقابت از دیدگاه اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف^۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۳/۳۰

فرشاد مومنی*

عبدالرسول قاسمی**

محمد رضا شکوهی***

محمد عظیم‌زاده آرانی****

چکیده

مفهوم اقتصاد تنظیم‌گری همواره ارتباط تنگاتنگی با مفهوم رقابت داشته است و طی دهه‌های اخیر این ارتباط بسیار پررنگ‌تر شده است. تنظیم‌گری و رقابت در اقتصادهای امروز ارتباط جدانشدنی با یکدیگر دارند، به نحوی که گاهی در بازار از روش‌های «تنظیم‌گری برای رقابت» استفاده می‌شود که نشانگر ضرورت حضور تنظیم‌گر برای رقابت در فضای اقتصادی کنونی از طریق تنظیم مقررات می‌باشد. مسأله اصلی مقاله آن است تا مفهوم اقتصاد تنظیم‌گری را با توجه به موضوع حقوق رقابت در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی مورد مقایسه قرار دهد، لذا ماهیت حقوق رقابت به عنوان چارچوب نظری پژوهش، مسیر مقایسه تنظیم‌گری میان اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی را هموار خواهد ساخت. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است و یافته‌های آن نشان می‌دهد که مکاتب اقتصاد متعارف همچون مکتب کلاسیک و شیکاگو، تنها به کارایی صرف در حقوق رقابت اعتقاد دارند، در حالی که تنها کارایی اقتصادی مورد پذیرش اندیشمندان اسلامی نیست. در واقع با بررسی نهاد حسبه به عنوان نهادی که متولی و مجری حقوق رقابت در اقتصاد اسلامی می‌باشد، مشخص شد که این نهاد علاوه بر فراهم نمودن اهداف اقتصادی، اهداف غیراقتصادی را نیز برعهده دارد و همین سبب می‌شود که ماهیت اقتصاد تنظیم‌گری در این مکتب، تفاوت قابل ملاحظه‌ای نسبت به ماهیت اقتصاد تنظیم‌گری دیگر مکاتب اقتصادی داشته باشد.

واژگان کلیدی

اقتصاد تنظیم‌گری، نهاد تنظیم‌کننده، حقوق رقابت، حسبه

طبقه‌بندی JEL: K21, H11

f.momeni@atu.ac.ir

* دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

a.ghasemi@atu.ac.ir

** استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

shokouhi@put.ac.ir

*** استادیار دانشگاه صنعت نفت

azimzadeh.m34@gmail.com

**** دانشجوی دکتری اقتصاد نفت و گاز دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

دخالت دولت در اقتصاد همواره موضوعی بحث برانگیز در ادبیات اقتصادی بوده است و از این منظر مؤافقان و مخالفانی داشته است. اما این دو گروه همواره اذعان داشته‌اند که مکانیسم بازار همواره نمی‌تواند از عهده وظایف خویش برآید و لازم است تا گونه‌هایی از دخالت دولت در اقتصاد در بازار تعریف گردد. یکی از انواع مداخلات دولت که به منظور تأثیرگذاری بر رفتار بنگاه‌ها و افراد در بخش خصوصی انجام می‌شود، به جهت تنظیم مقررات است که از آن به عنوان اقتصاد تنظیم‌گری^۲ نام برده می‌شود (هادی‌فر، ۱۳۸۹، ص ۸).

هر چند تنظیم‌گری دامنه وسیعی از دیدگاه‌ها، از کنترل دقیق دولتی تا نظارت غیرمستقیم و بازارسازی را شامل می‌شود، اما ماهیتی کاملاً متفاوت از نظام برنامه‌ریزی متمرکز دارد. به بیان دیگر به تصریح برخی صاحب‌نظران، در میان دو گونه ساز و کارهای تخصیص منابع، یعنی بازاری و غیربازاری، تنظیم‌گری دولت در قالب ساز و کارهای بازاری مقید و مشروط جای می‌گیرد. آنها معتقدند اگر بالا بودن هزینه‌های مبادله را عامل اصلی انواع شکست بازار یا عدم ایجاد بازار بدانیم، تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری رویکردی است که به دولت امکان کاهش هزینه‌های مبادله را می‌دهد و در نتیجه کارآمدی بازار را بهبود بخشد، نه اینکه جایگزین ساز و کار بازار شود (Arrow, 1969, p.1).

عبارت اقتصاد تنظیم‌گری سال‌هاست که در ادبیات اقتصاد متعارف مورد توجه قرار می‌گیرد به گونه‌ای در این زمینه دو مجله بین‌المللی^۳ از سال ۱۹۸۰ و از سال ۱۹۹۰ مشغول به فعالیت بوده، به طوری که در زمینه نهاد تنظیم‌گر در بخش‌های مختلف به ویژه موارد شکست بازار مقالاتی را به چاپ می‌رسانند.

علاوه بر اهمیت دولت در اقتصاد متعارف، جایگاه و نقش این نهاد در اقتصاد اسلامی نیز همواره مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده است، لذا اگر بخواهیم تنظیم‌گری دولت در اقتصاد اسلامی را مورد بررسی قرار دهیم، نیازمند بررسی نهادهای تنظیم‌گر اقتصاد اسلامی می‌باشیم. از مهمترین نهادهای تنظیم‌گر در اقتصاد اسلامی می‌توان «حسبه» را نام برد و با واکاوری ابعاد حقوق رقابت در این نهاد، خواهیم

توانست به وسعت و دامنه تنظیم‌گری دولت در اقتصاد اسلامی پی ببریم. در ایران متأسفانه با وجود زمینه‌های بسیار مناسب و جالب توجه در فقه، تا قبل از تصویب قانون اصلاح برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (فصل ۹ و ۱۰) ما قانونی تحت عنوان «قانون رقابت» نداشته‌ایم، لذا واکاوی موضوع حقوق رقابت در منابع اسلامی نتایج بسیار ارزنده‌ای در زمینه اقتصاد تنظیم‌گری خواهد داشت.

بنابراین در این مقاله به دنبال این هستیم که مفهوم اقتصاد تنظیم‌گری را با توجه به موضوع حقوق رقابت در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، لذا مطالب این مقاله در ۶ بخش آمده است. در بخش اول پس از مقدمه به بیان پیشینه پژوهش و نوآوری پرداخته‌ایم. در بخش دوم، اقتصاد تنظیم‌گری و اهداف آن از دیدگاه اقتصاد متعارف مورد بررسی قرار گرفته است. بخش سوم به تبیین سابقه و نهاد متولی اقتصاد تنظیم‌گری در اقتصاد اسلامی پرداخته است. در بخش چهارم به ارتباط میان رقابت و اقتصاد تنظیم‌گری مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش پنجم به تحلیل مقایسه‌ای اقتصاد تنظیم‌گری از دو منظر اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف با توجه به موضوع حقوق رقابت پرداخته‌ایم و بخش پایانی مقاله نیز به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اختصاص داده شده است.

۱. پیشینه پژوهش

در ارتباط با سوابق پژوهش، دو گروه مطالعه را می‌توان معرفی نمود:

الف) گروه اول مربوط به مطالعات اقتصاد تنظیم‌گری می‌باشد.

استیگلر^۴ (۱۹۷۱) در مقاله خود که زمینه‌ساز تحول بزرگی در نظریه تنظیم مقررات بود، به دنبال پاسخ به این پرسش که «چرا تنظیم مقررات انجام می‌شود؟» بود.

پلتزمن^۵ (۱۹۷۶) در مقاله خود به این نتیجه رسید که تنظیم مقررات به نفع گروه‌هایی می‌باشد که سازمان‌دهی بهتری دارند و از مقررات دلخواه خود سود بیشتری می‌برند، لذا تنظیم مقررات به نفع گروه‌های ذینفع کوچک می‌باشد که ترجیحات خود را به خوبی بروز می‌دهند و به ضرر گروه‌های ذینفع بزرگ باشد که از این لحاظ

ضعیف هستند.

اسپیلر و توماسی^۶ (۲۰۰۵) در قالب رویکرد نهادگرایی جدید و با استفاده از مفهوم هزینه مبادله، به ریشه، ماهیت و تکامل نهادهای مقررات‌گذاری و به عبارتی نهادهای تنظیم‌گر پرداخته است.

کرو و پارکر^۷ (۲۰۰۶) به بررسی دو کشور ایالات متحده آمریکا و انگلستان در راستای اقتصاد تنظیم‌گری به واسطه تجربه ارزشمند این دو کشور در این زمینه پرداخته‌اند و سپس آینده پیش روی اقتصاد تنظیم‌گری را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند.

ب) گروه دوم آثار به موضوع حقوق رقابت می‌پردازند.

فیصل عامری (۱۳۸۹) در مقاله خود به بررسی و مطالعه قوانین و سیاست‌های رقابتی و نقش آنها در توسعه کشورها پرداخته است و لزوم اهمیت قائل شدن به نقش نظارت‌های دولتی برای مقابله با رویه‌های ضدرقابتی یکی از مهمترین نتایج این مقاله می‌باشد.

صادقی مقدم و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله خود از حقوق رقابت به عنوان یکی از ضروریات و عوامل مؤثر در توفیق نظام‌های اقتصاد بازار آزاد یاد می‌کند. نویسندگان در این مقاله به خاطر تازگی این مبحث در نظام حقوقی و اقتصادی ایران، به تبیین و تدوین مقدمات آن جهت نهادینه کردن آن در نظام حقوقی ایران پرداخته است.

باقری و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله خود به تحلیل رابطه حقوق و اقتصاد پرداخته است. نویسندگان در این مقاله، امکان رسیدن به معیار منطقی در تفسیر حقوق و اقتصاد مبتنی بر آموزه‌ها و رهیافت‌های اسلامی را توضیح می‌دهند که راه را برای دستیابی به قاعده حقوقی رقابت در اسلام میسر می‌سازد.

صادقی (۱۳۹۳) به گستره اعمال قواعد حقوق رقابت، بسته به نوع بازارها؛ از حیث رقابت‌پذیری و رقابت‌ناپذیری، ساختار اقتصاد خصوصی یا دولتی، نسبت آن با حقوق معاملات و در نهایت، جایگاه این فرایند در میان مباحث اسلامی پرداخته است.

آنچه از معرفی کارهای پژوهشی بالا به دست می‌آید آن است که هر کدام جنبه‌ای از موضوع پژوهش حاضر را پوشش می‌دهند. در حالی که برخی بر اقتصاد تنظیم‌گری

و کاربردهای آن و عده‌ای بر حقوق رقابت متمرکز شده‌اند، پژوهش حاضر اولاً به دنبال این است تا ارتباطی میان اقتصاد تنظیم‌گری و حقوق رقابت برقرار نماید و ثانیاً با توجه به ماهیت حقوق رقابت، اقتصاد تنظیم‌گری را در اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف مورد مقایسه قرار دهد که اثری در این زمینه تاکنون در متون علمی خارجی و داخلی دیده نشده است.

۲. اقتصاد تنظیم‌گری از دیدگاه اقتصاد متعارف

۱-۲. تعریف تنظیم‌مقررات از دیدگاه اقتصادی

مداخله‌ی دولت در اقتصاد از جمله موضوعاتی است که در طی دوران مختلف محل مناقشه قرار داشته و دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص آن ارائه شده است. حوزه‌های مداخله دولت و چگونگی انجام این مداخلات تا حد زیادی می‌تواند از طریق نظریه‌های شکست بازار توضیح داده شود. این نظریه‌ها به مواردی اشاره دارند که طی آن ساز و کار بازار یا نظام قیمت‌ها از تأمین مقدار بهینه از نظر اجتماع، ناتوان باشد (Ruffin, 1990, p.789).

پس از شکست نظریه‌های سرمایه‌داری در دهه ۱۹۳۰، اقتصاد جهان به سمت ارائه تعریف جدید برای دولت و حوزه مداخلات آن پیش رفت. در این دوران، دولت شبگرد اقتصاددانان لیبرال کنار گذاشته شد و به جای آن در بسیاری مناطق، به ویژه آمریکا و بسیاری از مناطق اروپای غربی، دولت مداخله‌گر برای کاهش بیکاری گسترده و راهنمایی اقتصادها به سمت دولت رفاه ظاهر شد. دولت رفاه به موزات ارائه خدمات رفاهی، مسئولیت سرمایه‌گذاری برای رشد را برعهده گرفت. این امر موجب پیدایش بخش عظیمی از فعالیت‌های اقتصادی دولتی شد که قسمتی از آن از طریق ملی کردن بعضی بنگاه‌های خصوصی و قسمتی هم از طریق سرمایه‌گذاری از محل وجوه عمومی در مؤسسه‌های اقتصادی تازه تأسیس دولتی حاصل شد. به این ترتیب، اقتصاد مختلط به وجود آمد، هر چند که الگوی آن در مناطق مختلف، متفاوت بود. در اروپای غربی مؤسسه‌های دولتی در رشته‌های مختلف حاکم بودند و به عبارتی الگوی حاکم بیشتر براساس «مالکیت عمومی» بود.

این رویه ادامه یافت تا اینکه واکنش‌هایی علیه الگوهای یاد شده، در هر یک از مناطق مشاهده شد. واکنش مذکور به صورت انتقاد همزمان از اقتصاد کینزی، دولت رفاه و اقتصاد مختلط ظهور کرد، پس کاهش حجم دولت از طریق فروش مؤسسه‌های دولتی به بخش خصوصی پیشنهاد شد (گریفین، ۱۳۸۲، ص ۹۷). در نتیجه بسیاری از شرکت‌ها و بنگاه‌های دولتی به منظور افزایش کارایی به بخش خصوصی واگذار شدند. این پدیده به بهبود شرایط اقتصادی منتهی شد، اما مشکلاتی را پدید آورد. به عبارتی شرکت‌های دولتی خصوصی شده که اغلب برخوردار از مقیاس گسترده بودند، در نهایت تبدیل به انحصارات خصوصی شدند یا با یکی دیگر از موارد شکست بازار روبرو شدند و لذا در عمل هدف افزایش کارایی تحقق نیافت. اما این بار راه‌حل ارائه شده، کمک گرفتن از دولت در جایگزین شدن با بازار نبود، بلکه از دولت خواسته شد تا نقش «ناظری مسئول» را در اقتصاد ایفا کند و در هنگام بروز شکست‌های بازار، راهکار جبران آن مورد شکست - و نه اداره صنعت مربوطه - را اتخاذ نماید (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۳).

نظریه اقتصاد نئوکلاسیکی در دهه ۱۹۷۰ به دنبال آشکار شدن نارسائی‌های مداخله گسترده دولت در اقتصاد، بازگشتی را به اصول اقتصاد بازار آزاد مطرح کرد. با این حال، این بازگشت به صورت مطلق نبود و در کنار آن مفهوم کاستی بازار نیز به طور قابل توجهی مورد تأیید قرار گرفت. از یک سو، نظریه‌های اقتصاد سیاسی نئوکلاسیک به شدت مخالف نظریه‌های مداخله‌گرای دولت مانند نظریه‌های «کینز» بود که در دهه ۱۹۳۰ در پاسخ به بحران بزرگ اول، از اهمیت برخوردار شدند.

از سوی دیگر، نئوکلاسیک‌ها با نظریه‌های برنامه‌ریزی متمرکز دولتی که بسیار نزدیک به مکتب مارکسیستی بودند، مخالفت می‌کردند. آنها استدلال می‌کردند که تمایلات سیاسی ناگزیر در تصمیمات دولتی دخالت دارند و میزان این مداخله به قدرت گروه‌های ذینفع و دخیل در تصمیم‌گیری بستگی دارد (هاروی، ۱۳۸۶، ص ۲۵). با این حال باید توجه داشت که فهم واقعی نظریه اقتصاد سیاسی نئوکلاسیک در گرو فهم دقیق اصطلاح «دولت تنظیم‌گر»^۱ است. در واقع دولت تنظیم‌گر به دنبال خلاصه کردن تغییراتی در ماهیت و کارکردهای دولت است که از چرخش در شکل

حکمرانی پس از اصلاحات گسترده در بخش عمومی کشورهای صنعتی ناشی شد. به عبارت دیگر، دولت تنظیم‌گر به مثابه‌ی یک ساخت تحلیلی، مدعی ترسیم تصویری از تغییر در روش و شیوه حکمرانی است که در محیط اقتصادی و اجتماعی بسیاری از اقتصادهای سرمایه‌داری در سه دهه پایانی قرن بیستم اتفاق افتاد. از این منظر، ویژگی‌های تعیین‌کننده دولت تنظیم‌گر در تضاد و تعارض با ویژگی‌های دولت رفاه شناخته می‌شود، دولتی که از دهه ۱۹۴۰ تا اواخر دهه ۱۹۷۰ بر اقتصاد کشورهای صنعتی مسلط بود (Yeung, 2010, pp. 64-65).

در جدول زیر نسبت دولت و بازار در نظریه‌های اقتصاد سیاسی رقیب آمده است:

جدول (۱): نسبت دولت و بازار در نظریه‌های اقتصاد سیاسی رقیب

دولت شبرگرد (کلاسیک)	دولت رفاه پس از جنگ	دولت تنظیم‌گر (نئوکلاسیک)	
سکنداری	دولت	دولت	بازار و جامعه مدنی
پاروزنی	دولت	بازار و جامعه مدنی	دولت

منبع: Jacint Jordana & David Levi-Faur (2004)

برخی متفکرین اقتصادی، وظیفه تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری را یکی از سه وظیفه یا ابزار اصلی دولت می‌شمارند و برای آن جایگاه فوق‌العاده‌ای قائل‌اند. آنها با تقسیم انواع نقش‌های دولت در اقتصاد به سه دسته: تصدی، مالیاتی (یا یارانه‌ای) و تنظیم‌گری؛ شأن مستقلی برای تنظیم‌گری دولت در اقتصاد قائل‌اند که مرز مشخصی با تصدی مستقیم و مالکیت و مدیریت تولید کالاها و خدمات دارد (Grand, 1991, p.423).

در این میان برخی نیز نگاه معتدل‌تری به موضوع تنظیم‌گری دارند و آن را تنها یکی از شش نقش مهم دولت در اقتصاد مدرن و در کنار نقش‌هایی مانند: مالک، تولیدکننده، کارفرما، توزیع‌کننده و سیاست‌گذار می‌دانند (Pierson, 1996, p.97).

همچنین در اهمیت موضوع تنظیم‌گری همین بس که در نماگرهای حکمرانی جهانی^۹ که بانک جهانی هر سال منتشر می‌سازد و در آن رتبه‌ی کشورهای مختلف را محاسبه می‌کند، یکی از شش جزء نماگر حکمرانی را کیفیت تنظیم‌گری در اقتصاد تشکیل می‌دهد (Kaufman, 2009).

به طور کلی، سه تعریف از تنظیم‌گری در ادبیات اقتصادی آمده است: در حالت بسیار محدود، تنظیم‌گری نوعی از حکمرانی تلقی می‌شود که به منظور نظارت و هدایت بازار توسط سازمان‌های دولتی اعمال می‌شود. در تعریف وسیع‌تر از تنظیم‌گری، همه گونه تلاش دولت به منظور هدایت بازار را شامل می‌شود. این تعریف در عین حال در برگیرنده تعریف اول نیز می‌باشد، زیرا علاوه بر نظارت، فعالیت‌هایی نظیر نرخ‌گذاری یارانه و مالیات، بازار توزیع و مالکیت دولتی همه در این حوزه قرار می‌گیرد. تعریف سوم از تنظیم‌گری، حوزه‌ی آن بسیار گسترده است و در برگیرنده همه گونه روش‌های کنترل اجتماعی اعم از آگاهانه و غیرآگاهانه می‌شود (Baldwin et al, 1998, p.35).

تا قبل از دهه ۱۹۸۰ محافل علمی خارج از آمریکا تعریفی که از تنظیم‌گری ارائه می‌دادند عبارت بود از ابزارهایی که دولت برای کنترل اقتصاد و جامعه بکار می‌گیرد. در اینجا واژه تنظیم مقررات^{۱۱} و دخالت^{۱۲} معمولاً به جای یکدیگر بکار می‌رفت. اما در آمریکا به طور معمول تعریف اول که تعریف محدودتری قلمداد می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد. بعدها با توجه به موج گسترده اصلاحات اقتصادی در دنیا و ایجاد نهادهای تنظیم‌گر، تعریف‌ها عمدتاً محدود به همان تعریف اول شد (هادی‌فر، ۱۳۸۹، ص ۸).

۲-۲. سیر تطور اقتصاد تنظیم‌گری

مقاله‌ای با عنوان «نظریه تنظیم مقررات اقتصادی»^{۱۳} از آقای استیگلر^{۱۴}، برنده جایزه نوبل در سال ۱۹۷۱ به نام «نظریه تنظیم مقررات اقتصادی» توانست نقطه عطفی در نظریه تنظیم‌گری به وجود آورد. ارزش این مقاله ناشی از رویکرد آن به پرسش «چرا تنظیم‌گری انجام می‌شود؟» بود. نخستین فرض این است که تنظیم‌گری در بازار به دلیل نارکارآمدی انجام می‌شود. این نظریه در آغاز نظریه منافع عمومی^{۱۵} نام داشت و به تازگی نظریه اثباتی تحلیل تجویزی^{۱۶} نام گرفته است. به علت آنکه شواهد تجربی با پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای^{۱۷} همخوانی نداشت، اقتصاددانان و کارشناسان علوم سیاسی نظریه تصرف^{۱۸} را تدوین کردند. حرف اصلی نظریه تصرف این است که سازمانی که قرار است صنعتی را تنظیم کند، خواه به صورت طراحی شده، خواه به

صورت طراحی نشده، توسط آن صنعت «تصرف» می‌شود. یعنی تنظیم‌گری، سود صنعت را به جای رفاه اجتماعی افزایش می‌دهد. البته باید توجه داشت که پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و پیمان تصرف در واقع نظریه نیستند بلکه فرض‌ها یا گزاره‌هایی درباره تنظیمات تجربی هستند و در تباین با مرحله سوم تحول این نگرش، یعنی نظریه اقتصادی تنظیم‌گری می‌باشد (هادی‌فر، ۱۳۸۹، ص ۳۲).

پس از انتشار مقاله استیگلر در سال ۱۹۷۱، سام پلتزمن^{۱۸} در سال ۱۹۷۶ با انتشار مقاله‌ای با عنوان «به سوی یک نظریه عمومی‌تر از مقررات»^{۱۹} تحلیل استیگلر را صورت‌بندی کرد. صورت‌بندی ارائه شده توسط استیگلر دارای سه عنصر بسیار مهم است. نخست آنکه تنظیم مقررات باعث بازتوزیع ثروت می‌شود. به نظر پلتزمن روش انتقال ثروت میان اعضاء جامعه، نقش اساسی در شکل‌دهی تنظیم‌گری دارد. دوم آنکه، میل به حفظ قدرت و ماندن در آن، محرک اصلی رفتار قانون‌گذار است و در نتیجه قانون برای حداکثرسازی پشتوانه‌ای سیاسی طراحی می‌شود. سوم آنکه گروه‌های ذینفع برای ارائه پشتیبانی سیاسی در ازای برخورداری از مقررات دلخواه خود، با همدیگر رقابت می‌کنند. در نتیجه، امکان اینکه تنظیم مقررات به نفع گروه‌هایی باشد که سازمان‌دهی بهتری دارند و از مقررات دلخواه خود سود زیادی ببرند، بیشتر است (Peltzman, 1976, p.24).

پس از پلتزمن، گری بکر در سال ۱۹۸۳ در مقاله‌ای با عنوان «نظریه رقابت در میان گروه‌های فشار برای نفوذ سیاسی» به رقابت گروه‌های ذینفع می‌پردازد و با این فرض که سیاست‌مداران، احزاب سیاسی و رأی دهندگان، فشار گروه‌های فعال را انتقال می‌دهند، نقش قانون‌گذاری مقررات برای افزایش سود گروه‌های ذینفع با نفوذتر را بیان و مکانیسم انتقال آن را مطرح می‌نماید (Becker, 1983, pp. 1-16).

۳. اقتصاد تنظیم‌گری از دیدگاه اقتصاد اسلامی

تبیین و نقش جایگاه دولت در عرصه فعالیت‌های اقتصادی در اقتصاد اسلامی نیز همانند اقتصاد متعارف، مورد اهتمام دانشمندان اسلامی بوده است. دخالت دولت در امور اقتصادی از جمله نتایج وجود یک دولت مؤثر است که یکی از اصول اقتصادی اسلام نیز به شمار می‌رود. به موجب این اصل، دولت برای کنترل و نظارت بر

فعالیت‌های اقتصادی از اختیارات وسیعی برخوردار می‌باشد (زراءنژاد، ۱۳۸۱، ص ۱۴). در قرآن نیز، آیات متعددی بر جواز و برخی بر لزوم نقش تنظیم‌گری دولت اسلامی دلالت دارند که در ادامه به برخی از شئون تنظیم‌گری دولت پرداخته خواهد شد.

۳-۱. لزوم نقش تنظیم‌گری دولت اسلامی در قرآن

۳-۱-۱. حق نظارت و کنترل

یکی از مسائلی که از طریق آن می‌توان به نقش پررنگ تنظیم‌گری دولت جهت کارکرد صحیح بازار در قرآن پی‌برد، موضوع کم‌فروشی می‌باشد که شش بار در قرآن به طور صریح مورد تأکید قرار گرفته است. در سوره مطفین، قبل از هر چیز کم‌فروشان را مورد تهدید شدیدی قرار داده و می‌فرماید: «وای بر کم‌فروشان^{۲۰}». در روایتی از امام صادق(ع) آمده که خداوند «ویل را برای هیچ کس در قرآن نیاورده مگر این که او را کافر نام نهاده»؛ همان گونه که در آیه ۳۷ سوره مریم، می‌فرماید: «وای بر کافران از مشاهده روز بزرگ^{۲۱} (تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۴۳۵). لذا از این روایت استفاده می‌شود که کم‌فروشی بوی کفر می‌دهد.

در آیه ۳۵ سوره اسراء قبل از اشاره به موضوع پیمانانه و وزن صحیح به زنا، قتل نفس و... اشاره شده و کم‌فروشی در ردیف این گناهان قرار گرفته است. همچنین در آیه ۱۵۲ سوره انعام، خداوند آنچه را بر بندگان خود حرام کرده است برمی‌شمرد و پس از بیان خودداری از شرک و... در نهایت به صحت پیمانانه و وزن و خودداری از کم‌فروشی فرمان داده است. ضمناً در آیه ۸ سوره الرحمن نیز کم‌فروشی مورد مذمت قرار گرفته است. قرآن در آیه ۸۵ سوره اعراف نیز به طور خاص خطاب به قوم شعیب اهالی شهر مدین می‌فرماید: پیمانانه و وزن را تمام و کمال تحویل بدهید و در مال مردم نقصان روا مدارید که این امر برای شما بهتر است اگر ایمان داشته باشید. قرآن این گفتگوی میان قوم شعیب و آن حضرت را در آیات ۸۴ تا ۹۵ سوره هود بیان نموده است و در نهایت یکی از علل هلاکت این قوم کم‌فروشی است. بنابراین حکم خدا درباره کم‌فروشی آنچنان صریح است که جای هیچ‌گونه تردیدی باقی نمی‌ماند.

در قرآن و احادیث وارده از پیامبر اکرم (ص) به مسأله گران‌فروشی صریحاً اشاره‌ای نشده است، ولی اگر این مطلب را در نظر بیاوریم که حاصل کم‌فروشی و گران‌فروشی عدم تعادل و توازن کالا و قیمت است، در آن صورت با توجه به وضع اجتماع و طرز خرید و فروش جامعه امروز و تنقیح مناط قطعی و استنباط ملاک مشترک می‌توانیم احکام وارده در باب کم‌فروشی را برگران‌فروشی تطبیق نمائیم. علاوه بر این، منع احتکار نیز در حقیقت به معنی نکوهش و منع گران‌فروشی است، چون قصد محتکر از مخفی کردن ارزاق عمومی تشدید فشار و ازدیاد تقاضا و بالا رفتن قیمت کالای احتکار شده است و در واقع احتکار مقدمه گران‌فروشی است (خاور، ۱۳۵۵). لذا تنظیم بازار و جلوگیری از کم‌فروشی، گران‌فروشی و احتکار از بدیهی‌ترین امور تنظیم‌گری دولت به شمار می‌رود. بدین سبب امام علی (ع) در نامه معروف خود به مالک اشتر پس از سفارش درباره بازرگانان و پیشه‌وران و این که آنان افراد سودمند و زحمت‌کشی هستند، می‌فرماید:

با این همه بدان که میان آنان بسیارند کسانی که معاملات بی‌دارند؛ بخیل و در پی احتکارند؛ برای سود خود می‌کوشند و کالا را به هر بها که بخواهند می‌فروشند و این سودجویی و گران‌فروشی، زیانی برای همگان و عیب بر والیان است؛ پس باید از احتکار منع کرد که رسول خدا (ص) از آن منع فرمود و خرید و فروش باید آسان و با میزان عدل انجام شود، با نرخ‌هایی که نه به زیان فروشنده و نه خریدار باشد و آن را که پس از منع تو دست به احتکار زند، کیفر ده و عبرت دیگران گردان و در کیفر او زیاده روی مکن (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

۳-۱-۲. حق قانون‌گذاری در منطقه الفراغ

خداوند، در قرآن به مقتضای آیه ۵۹ سوره نساء^{۲۲} صلاحیت خاصی به اولیای امور بخشیده و فرمان‌های آنان را لازم‌الاتباع دانسته است. بنابراین، منطقه‌ای که ولی امر می‌تواند اعمال صلاحیت کند، ابعاد و حوزه‌هایی گوناگون دارد که یکی از آنها به موضوعات متطور و متغیّر ناظر است؛ بنابراین، قانون‌گذاری در منطقه الفراغ مبتنی بر کتاب بوده و مؤیدهای بسیاری در سنت نیز دارد. فقیهان برای این مسأله مصادیق متعددی بیان کرده‌اند که در ادامه به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

الف) اجبار بر انجام فعالیت اقتصادی خاص؛

مطابق فقه اسلام و به اتفاق همه فقها، تولید کالاهایی که حیات افراد و قوام امور اجتماع بر آنها بستگی دارد و یا عزت جامعه در گروه تولید آنها است، به گونه‌ای که در اثر نبود چنین کالاها و خدماتی، زندگی مردم مشکل شده و آسایش اجتماع لطمه می‌بیند و یا استقلال کشور دچار خدشه می‌شود، بر کلیه افرادی که توانایی تولید را دارند، واجب کفایی است و اگر افراد از انجام آن کوتاهی کنند، دولت اسلامی حق دارد آنان را اجبار کند (فراهانی فرد، ۱۳۸۱، ص ۱۳۴).

ب) وضع مقررات برای استفاده از منابع طبیعی؛

دولت اسلامی حق دارد مطابق مصالح جامعه برای بهره‌برداری از منابع طبیعی به ویژه زمین و آب، مقررات خاصی وضع کند؛ برای مثال مسلمانان حق دارند با احیای اراضی موات، آنها را مالک شوند؛ اما این مسأله در اوضاع کنونی به مقررات خاصی نیاز دارد تا هرج و مرج پیش نیاید. دولت می‌تواند با تعیین شرایط و اولویت‌های خاصی زمین‌ها را تقسیم کند (صدر، ۱۳۸۲).

ج) تعیین ضوابط کار و کارگری؛

دولت اسلامی می‌تواند متناسب با مصالح جامعه، با وضع قوانینی، حداقل دستمزدها، حداکثر ساعات کار، و حداقل سن اشتغال را تعیین کند؛ چنان که می‌تواند با وضع مقرراتی، محیط کار را در برابر خطرهای صنعتی و حوادث غیرمترقبه ایمن سازد و از همین باب است که پیامبر اکرم(ص) ضمن وصایای خود به امام علی(ع) می‌فرماید: یا علی! مبادا با حضور تو بر کشاورزان ستم رود؛ (حکیمی، ۱۳۹۱، ص ۷۴۴). یعنی حاکم اسلامی وظیفه دارد نظام کار و کارگری را چنان سازماندهی کند که به کسی ستم نشود.

از منظر تاریخی نیز مداخله دولت در اقتصاد، از همان ابتدای تشکیل حکومت اسلامی در زمان پیامبر(ص) مطرح بوده است و در عصر خلفاء نیز بدون هیچ تردیدی ادامه داشته است، لذا به جهت اهمیت نهاد دولت در اقتصاد اسلامی، تنظیم‌گری از طریق مقررات و نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی در اسلام دارای سابقه‌ی طولانی می‌باشد. پیامبر اکرم(ص) از همان روزهای نخست تشکیل حکومت در مدینه، قوانینی

را در حوزه‌های تجارت، کشاورزی، خدمات و... به منظور تنظیم روابط اقتصادی مسلمانان مقرر داشت (موسویان، ۱۳۸۲، ص ۵۷).

یکی از بارزترین مصادیق تنظیم‌گری در اقتصاد اسلامی که در حدود هزار سال پیش در حکومت اسلامی دایر بوده است، وجود نهاد حسبه^{۲۳} یا «احتساب» می‌باشد که متولی آن را «محتسب» می‌نامیدند.

بیشتر تعاریف حسبه از منظر فقهی شکل گرفته‌اند و طرفداران آن، نویسندگان کتاب‌های الاحکام السلطانیه (فقه سیاسی)، کتاب‌های فقهی و کتاب‌های مستقل در حسبه‌اند. بدون تردید ماوردی را می‌توان مبتکر تعریف فقهی حسبه دانست. به گفته ایشان حسبه امر به معروف است آنگاه که ترک آن معروف، آشکار شود و نهی از منکر است هنگامی که عمل زشت، آشکارا انجام پذیرد (ماوردی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۹۱). این تعریف، با اندکی دخل و تصرف، مورد توجه و اقتباس عموم نویسندگان کتاب‌های حسبه پس از ماوردی قرار گرفته است. غزالی میان حسبه و فریضه امر به معروف و نهی از منکر، هیچ تفاوتی قائل نشده است (غزالی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۳۳۹).

البته هر چند نهاد حسبه از سوی ماوردی به عنوان یکی از نظریه‌پردازان اهل سنت معرفی شده است، اما با دقت در آیات قرآن به این نکته پی‌برده می‌شود که تعریف نهاد حسبه و کارکردهای آن پیش از آنکه ابتکار اهل سنت باشد، مبنایی قرآنی دارد. زیرا در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران خداوند فرمان می‌دهد که «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند»^{۲۴}. لذا به نظر می‌رسد اهل سنت به جهت حکومت‌داری این دستور الهی را به اجرا گذاشته و توسعه داده‌اند و ایده‌ی اصلی آن از قرآن نشأت گرفته است.

در ایران با طرح اندیشه‌های سیاسی نو از سوی اندیشمندان و روشنفکران مذهبی، موضوعات سیاسی - اجتماعی اسلام بار دیگر مورد توجه قرار گرفت که تأثیرگذارترین آنها دیدگاه‌های فقهی امام خمینی بوده است. ایشان در بیان مفهومی از حسبه می‌فرمایند: «امور حسبیه اموری هستند که شارع مقدس راضی به اهمال آنها نیست و این امور اعم از واجب عینی مثل حج، زکات، خمس و مانند آن و واجب کفایی مثل تشکیل حکومت اسلامی است» (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۶۵).

پس از ایشان مفصل‌ترین بحث‌های فقه سیاسی را آیت‌الله منتظری در کتاب «دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة» آورد. ایشان در ادامه بحث امر به معروف و نهی از منکر، به تفصیل درباره حسیبه در حکومت اسلامی و تاریخ آن سخن گفته است. گرچه مطالب او در بحث از تاریخ و تشکیلات حسیبه در اسلام برگرفته از کتاب «معالم القرية فی احکام الحسبة» تألیف ابن‌اخوه می‌باشد (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، صص ۲۵۹-۳۰۳)، ولی مطرح شدن چنین بحث‌هایی در بالاترین سطح آموزش فقه شیعی (درس خارج)، نشانه توجه فقیهان شیعی به ضرورت وجود چنین نهادی در حکومت اسلامی است (باقری بیدهندی، ۱۳۷۸، صص ۱۲۹-۱۵۰).

۴. ارتباط تنظیم مقررات و رقابت اقتصادی

مفهوم اقتصاد تنظیم‌گری همواره ارتباط تنگاتنگی با مفهوم پایداری و رقابت عادلانه داشته است و طی دهه‌های اخیر این ارتباط بسیار پررنگ‌تر شده است. اگر چه ارتباط میان اقتصاد تنظیم‌گری و رقابت هنوز در محافل اقتصادی و سیاسی وجود دارد، اما منعکس کننده ارتباط دقیق این دو مفهوم نمی‌باشد و تنظیم‌گری و رقابت در اقتصادهای امروز ارتباط جدانشدنی با یکدیگر دارند، به نحوی که بعضاً در بازار از روش‌های «تنظیم‌گری برای رقابت» استفاده می‌شود که نشانگر ضرورت حضور تنظیم‌گر برای رقابت در فضای اقتصادی کنونی از طریق تنظیم مقررات می‌باشد. به این ترتیب اقتصاد تنظیم‌گری با رقابت ماهیت مکملی پیدا نموده‌اند و امروزه در بازارهای رقابتی به منظور بهبود، از آن استفاده می‌شود (هادی‌فر، ۱۳۸۹، ص ۱۵).

نگاه ما به رقابت و حقوق رقابت، نقش دولت‌ها را در زمینه تنظیم مقررات آشکارتر و بارزتر می‌نماید. بنابراین برای روشن شدن بحث اقتصاد تنظیم‌گری، ابتدا باید نگاه اقتصاد متعارف به ویژه مکتب شیکاگو و کلاسیک را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم و سپس در بخش بعدی جایگاه اقتصاد تنظیم‌گری در اقتصاد اسلامی را با توجه به مفهوم حقوق رقابت با اقتصاد متعارف مقایسه نماییم.

۴-۱. ماهیت حقوق رقابت

با توجه به آثار مثبت و مزایای بسیار زیاد رقابت به تدریج نگاه کشورهای اروپای غربی نیز از اواسط قرن گذشته و به ویژه پس از تأسیس جامعه مشترک اروپا به سوی آن جلب شد. این کشورها جهش اقتصادی خود و راه برون‌رفت از بحران مالی ناشی از جنگ جهانی را در ارتقای رقابت میان فعالان تجاری می‌دیند، امری که استفاده‌ی بهینه از منابع جامعه را در پی دارد (صادقی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۱۵) و لذا موجب شد که نهادهای تنظیم‌گر برای حفظ رقابت در این کشورها ایجاد شوند و در نهایت سبب تدوین حقوق رقابت گردید.

حقوق رقابت ابزار اصلی برای پیش‌بردن سیاست رقابتی است و آن را می‌توان اینگونه تعریف نمود «مجموعه‌ای از اصول و قواعد ناظر بر رفتار و ارتباط و توافق‌های میان بنگاه‌هاست که مانع انحراف ساختار بازار به سمت انحصار شده و سبب بهبود عملکرد بازار می‌شود» (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۴۰). به عبارت دیگر، حقوق رقابت مجموعه‌ای از قواعد و اصول ناظر بر بنگاه‌ها و بازار است تا رفتار هماهنگ بازیگران بازار در استفاده و تحصیل قدرت جمعی بازاری و استفاده از قدرت فردی بازاری (انحصار) و ادغام بازیگران بازار و توافقات از این نوع را تنظیم نماید تا در نتیجه منجر به تخصیص کارای منابع گردد.

نظام‌های حقوق رقابت مختلف منعکس‌کننده نگرانی‌ها، ارزش‌ها و اهداف مختلفی هستند. از آنجا که ۱۰۰ کشور دارای حقوق رقابت هستند و این کشورها دارای اقتصادهای متفاوت و سطوح توسعه اقتصادی متفاوت می‌باشند، غیرواقعی خواهد بود که تصور کنیم که همه آنها دارای مقاصد یکسانی هستند (Taylor, 2009, p.24).

اما باید توجه داشت که تعیین مقاصدی که حقوق رقابت باید به دنبال آنها باشد، از دشواری‌های سیاست رقابتی هر کشور است. چرا که اهداف حقوق رقابت از پرمناقشه‌ترین و در عین حال، مهم‌ترین مباحث این حوزه محسوب می‌شود امری که همواره جولانگاه مجادلات بسیاری میان صاحب‌نظران، به ویژه مکاتب اقتصادی بوده است. زیرا با توجه به ارتباط عمیق میان رقابت و تنظیم‌گری، هنگامی که اهداف حقوق رقابت یک مکتب اقتصادی مشخص شود، نقش نهاد تنظیم‌گر نیز ظهور و بروز خواهد

نمود که در بخش بعدی به تجزیه و تحلیل این موضوع خواهیم پرداخت.

۵. تحلیل مقایسه‌ای اقتصاد تنظیم‌گری با توجه به موضوع حقوق رقابت از دیدگاه اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف

سیاست رقابتی هر کشور ناگزیر باید تعیین کند که در حقوق رقابت باید چه مواردی لحاظ شود تا براساس آن، نهاد تنظیم‌گر در اقتصاد به دنبال محقق کردن آن باشد. در اینجا قصد داریم که دیدگاه مکاتب کلاسیک و شیکاگو را به عنوان پیشگامان عرصه حقوق رقابت با اقتصاد اسلامی مورد مقایسه قرار دهیم.

دانشمندان پیرو مکتب شیکاگو هر هدف دیگری به غیر از کارایی تخصیصی را برای حقوق رقابت برنمی‌تابند و به اعتقاد آنها رقابت بدون کارایی، شایسته حمایت نیست. پوزنر^{۲۵} از سردمداران مکتب شیکاگو در این ارتباط می‌نویسد: «امروزه، تقریباً هر کس که به طور حرفه‌ای درگیر در موضوعات رقابت است، نه تنها موافقت که تنها هدف تنظیم مقررات رقابت باید ارتقاء رفاه اقتصادی باشد، بلکه قبول دارند که از اصول مسلم اقتصادی برای تعیین تطابق یک عمل تجاری معین با این هدف باید استفاده شود (Stucke, 2010, p.56). آن‌چه برای این‌ها دارای اهمیت است، پیمودن مسیری است که منجر به کارایی تخصیصی شود (Schwartz, 1979, p.1076)

لذا رابرت بورک^{۲۶} یکی از مدعیان جدی این دیدگاه بر این باور است که طرفداران و حامیان این مکتب در گفتمان حقوق رقابت، تنها باید چند عمل خاص را ممنوع سازند. به عنوان مثال، کارتل‌هایی که قیمت کالاها و خدمات را به‌طور ثابت تعیین می‌کنند و یا بازار را بین خودشان تقسیم می‌نمایند و یا ادغام چند شرکت تجاری که منتهی به انحصار می‌گردد (Bork, 1978, p.406)

به‌طور کلی، رویکرد این مکتب این است که دخالت دولت در عملکرد بازار بیش از آن که مفید باشد، مضر است. لذا دخالت‌های دولت در قالب حقوق رقابت باید به یک سری از موارد خاص که برشمرده شد، محدود گردد. از این‌رو، بسیاری از اعمال تجاری که منع شده است باید از آنها رفع ممنوعیت گردد، از دیدگاه حامیان این مکتب اگرچه دخالت دولت در اقتصاد و در قالب حقوق رقابت پذیرفتنی است اما از آنجا که این نوع مداخله استثنا است، تنها باید به موارد محدود اختصاص یابد. به

اعتقاد این گروه آنچه که امروزه در حقوق رقابت منع شده است فراتر از موارد محدود است (فلاح‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۶۸).

دیدگاه‌های مکتب کلاسیک در باب حقوق رقابت یکی از با سابقه‌ترین ایده‌ها در این ارتباط محسوب می‌شود. مثلاً برخی از نظریه‌پردازان نظیر آدام اسمیت معتقدند که مشکل کارتل‌ها نباید ما را به این امر وادارد که با آنها به مبارزه‌جویی برخیزیم. او معتقد است ما نمی‌توانیم در مقابل برخی از تدابیر افزایش قیمت‌ها با وضع یک قانون به مقابله پردازیم؟ وی با طرح تئوری دست نامریی، اهمیت زیادی برای رقابت قایل می‌شود؛ رقابت باعث تولید سود می‌شود چرا که از نظر اسمیت روابط اقتصادی مبتنی بر اصل رقابت در بازاری که افراد آزادانه در پی اهداف شخصی خود هستند باعث ایجاد ثروت و رفاه می‌گردد. در مقابل، او معتقد است کنترل و نظارت دولتی در حقیقت باعث فقر و ناکارآمدی بیشتر دولت‌ها می‌شود. از نظر او اصل رقابت آزاد و تنظیم‌گری مانع‌الجمع هستند (Muller, 1993, p.45).

اما غیرواقعی بودن فرض رقابت کامل امری است که بسیاری از اقتصاددانان به آن اعتراف کرده‌اند و برخی به تبیین حضور دولت تنظیم‌گر پرداخته‌اند. در ادبیات اقتصادی قرن بیستم نوشته‌های فراوانی وجود دارد که با تکیه بر رقابت به عنوان یک فرایند، به دنبال رد کردن مفهوم «رقابت کامل» هستند و برای تحلیل‌های خود از اصطلاحات مرسوم نظریه رقابت کامل (تعادل، عقلانیت، تحرک، اطلاعات کامل و...) استفاده نکردند و به جای آن، اصطلاحات جدیدی را جایگزین کردند. این گروه از اقتصاددانان مدل‌های جدید متعددی را که با واقعیت‌های خارجی مطابقت داشته باشد، جایگزین «رقابت کامل» کردند. همان‌گونه که اشاره شد، بروز این نظریات معلول این بود که مدل «رقابت کامل» نمی‌توانست بروز انحصارهای گوناگون را که در کشورهای سرمایه‌داری پدید آمده بود توضیح دهد (رنانی، ۱۳۷۶، ص ۹۳).

ویکتور دوکنیدران از دیگر منتقدان در این زمینه می‌گوید: این نکته محقق است که نظام رقابت آزاد که به منظور مبارزه با انحصار مقرر شده است، جز آنکه در تمام رشته‌ها به تشکیل انحصارات بزرگ منجر شود، نتیجه دیگری ندارد (شارل ژید، ۱۳۷۰، ص ۳۶۹).

بنابراین راه‌حل اساسی این است که در نگرش رایج در مورد مبانی رقابت باید تحولی بنیادی اتفاق بیافتد و سپس به رفع نقایص کارکردهای رقابت و اصلاح ساز و کار بازار با تأکید بر دولت تنظیم‌گر پرداخته شود.

همان‌طور که ملاحظه شد، حقوق رقابت در مکاتب شیکاگو و کلاسیک تنها مواردی را در برمی‌گیرد که به کارایی تخصیصی منجر شود. تا اینجا حقوق رقابت در مکاتب اقتصاد متعارف به ویژه مکتب شیکاگو و کلاسیک را بررسی نمودیم و در ادامه ابعاد تنظیم‌گری دولت در اقتصاد اسلامی با توجه به ماهیت حقوق رقابت نهاد حسبه را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد.

در اقتصاد اسلامی با توجه به وظایفی که برای حسبه در نظر گرفته‌اند که در حقیقت مبانی حقوقی و فقهی آن را تشکیل می‌دهد (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۳، صص ۴۲۰-۴۶۱)، می‌توان به این نتیجه رسید که برخلاف مکتب شیکاگو و کلاسیک که تمام تلاش خود را صرف کارایی می‌داند و تمام حقوق رقابت خود را طوری تدوین نموده است تا این مهم محقق شود، حقوق رقابت در اقتصاد اسلامی اولاً منحصر به کارایی نمی‌باشد و علاوه بر کارایی، بحث عدالت به ویژه عدالت توزیعی را در برمی‌گیرد و ثانیاً نهاد حسبه در راستای عملیاتی نمودن حقوق رقابت در اسلام مجری اهداف اقتصادی و نیز اهداف غیراقتصادی در موضوع تنظیم‌گری می‌باشد که در ادامه تحت عناوین نقش حسبه در زمینه محقق نمودن اهداف اقتصادی و غیراقتصادی به آن خواهیم پرداخت.

الف) نقش حسبه در زمینه محقق نمودن اهداف اقتصادی

«حفظ و نظارت بر بازار و دفاع از تمامیت آن» یکی از مهمترین وظیفه نظارتی مترتب بر نهاد حسبه در زمینه فراهم نمودن کارایی از طریق اجرایی نمودن حقوق رقابت می‌باشد.

در متون فقهی، ذیل بحث «آداب التجاره» می‌توان برخی از وظایفی که محتسب باید برای حفظ مکانیسم بازار انجام دهد را برشمرد که عبارتند از: آگاهی از احکام و قواعد تجارت، رعایت انصاف در معاملات، خودداری از تدلیس یا تزئین نکردن کردن و نیاراستن کالا، مسامحه و تساهل در معاملات و فعالیت در بازار، وارد نشدن در معامله دیگری و... (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، صص ۴۲-۴۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۸،

ص ۲۳؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۴۳۱؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۳۰).

بررسی این قسم از آداب تجارت در فقه، نشان می‌دهد که همگی این آداب، حول محور بازار آزاد که متضمن به وجود آمدن کارایی اقتصادی هست، می‌چرخد. از این رو در فقه اسلامی نیز اصالت بر بازار رقابتی است که در آن فعالان و طرفین معاملاتی، مطابق اراده خویش به اعمال حقوقی روی آورند. به عبارت بهتر، فقه از یک دیدگاه به باب معاملات و عبادات تقسیم می‌شود. مشهور میان فقیهان معاصر آن است که احکام عبادات تأسیسی و احکام معاملات امضایی هستند؛ یعنی تمام عبادات، حدود، شروط و قیود آنها را شارع مقدس جعل و اعتبار، و نوع احکام آنها را نیز بیان کرده است؛ بنابراین، برای آنکه عبادات را همراه با حدود، شروط، قیود و احکام آنها شناسایی کنیم، ناگزیر باید در ادله شرعی جست‌وجو کرد؛ اما معاملات این‌گونه نیستند. لذا بر همین مبنای تقسیم‌بندی نیز می‌توان به این نتیجه رسید که در اسلام، اصل بر آزادی اراده‌ها در حیطه معاملات و اقتصاد می‌باشد (یوسفی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۴).

با این حال این امر به معنای آن نیست که این آزادی به حدی باشد که موجب افسار گسیختگی بازار گردد. بنابراین، نهادی لازم است تا این فرایند را در بازار تسهیل نماید. از این روست که حسبه و وظایف محتسب را می‌بایست بازوی عمل‌کننده و قوای اجرایی تسهیل بازار و متولی رونق داد و ستد سالم (Esposito, 2003, p. 114) در بازار اسلامی به شمار آورد.

یکی از مهمترین بخش‌های عدالت اقتصادی، عدالت توزیعی است. به طور کلی هنگامی که «بیشتر داشتن» برای یکی از موارد قابل بررسی از لحاظ معیارهای عدالت مستلزم «کمتر داشتن» برای دیگری است، مسأله توزیع، مسأله عدالت توزیعی است (عیوضلو، ۱۳۸۹، ص ۱۲). منع احتکار از مهمترین وظایف محتسب (رک: نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) در راستای اجرای عدالت توزیعی می‌باشد، زیرا مهمترین کاربرد عدالت توزیعی در تخصیص کالاها، خدمات، منابع یا در مورد اجناس کمیاب می‌باشد (Kolm, 1996, p.31). با توجه به صلاحیت محتسب در «حفظ تمامیت بازار» تردیدی باقی نمی‌ماند که از موارد ورود محتسب برای حفظ بازار، مقابله با احتکار و اجبار به

فروش کالای احتکار شده می‌باشد (نراقی، ۱۴۲۵ق، ص ۵۶).

ب) نقش حسبه در زمینه محقق نمودن اهداف غیراقتصادی

با آنکه اکثر مکاتب اقتصادی از جمله مکتب اتریش و کلاسیک بر این امر اذعان دارند که حقوق رقابت و موضوعات آن، ماهیتی از جنس پدیده‌های اقتصادی دارند، اما اینکه تنها مطامع اقتصادی هدف منحصر آنها باشند، مورد پذیرش اندیشمندان اقتصاد اسلامی نیست. در واقع نهاد حسبه به عنوان یکی از نهادهای مجری حقوق رقابت علاوه بر فراهم نمودن بستر رقابت اقتصادی، دارای کارکردهای اخلاقی و دینی و... نیز می‌باشد که در اینجا تحت عنوان اهداف غیراقتصادی به آن می‌پردازیم.

○ نظارت بر آیین‌های مذهبی و مساجد که شامل سفارش به بازسازی و پاکیزگی مساجد، نظارت بر اداره مساجد، نگهداری و مرمت مساجد، نظارت بر کارکنان مساجد، جلوگیری از حضور افراد بی‌قید و بند و بی‌توجه به آداب مسجد در آن و... می‌شود (ماوردی، ۱۹۰۹ق، صص ۳۹۵-۳۹۷؛ نصر شیزری، ۱۴۰۱ق، صص ۱۱۰-۱۱۳؛ ابن عبدون، ۱۳۵۲ق، صص ۲۱۱-۲۱۶؛ سنّامی، ۱۴۰۶ق، صص ۱۷۳-۱۷۶ و صص ۳۶۴-۳۶۷)؛

○ نظارت بر اخلاق عمومی که شامل جلوگیری از مصرف مشروبات الکلی، قماربازی، خرید و فروش آلات موسیقی در ملاء عام، بسیج مردم برای نماز جمعه. نظارت بر حمام‌ها به خاطر احتمال بروز بیشتر رفتارهای ناپسند اخلاقی و... را در برمی‌گیرد (نصر شیزری، ۱۴۰۱ق، صص ۱۰۹-۱۱۰؛ ابن الاخوه، ۱۳۵۷ق، صص ۱۰۱-۱۰۷؛ ابن عبدون، ۱۳۵۲ق، صص ۲۱۶-۲۱۷؛ سنّامی، ۱۴۰۶، صص ۹۸ و ۱۳۲)

○ نظارت بر فرهنگ عمومی که محتسب وظایفی نظیر نظارت بر مکتب‌خانه‌ها، سازماندهی و یکپارچگی جامعه، تأمین سرپناه برای بی‌خانمان، نظارت بر فالگیران و پیشگویان را بر عهده داشت (سنّامی، ۱۴۰۶، صص ۱۹۲-۲۶۱)

○ نظارت بر بهداشت عمومی که در برگیرنده‌ی اموری مثل پاکیزگی خیابان‌ها، نظارت بر بهداشت آبرسانی، ممانعت از آلوده کردن آب نهرها و رودخانه‌ها (اطروش، ۱۹۵۳، ص ۳۱)، نظارت بر انتقال مواد غذایی فاسد شده به بیرون از

شهر، موظف نمودن گرمابه‌داران به تمیز نگهداشتن حمام‌ها، جلوگیری از ورود جذامیان و مبتلایان به برص به حمام‌های عمومی (نصر شیزری، ۱۴۰۱، صص ۸۷-۸۸)، نظارت بر رعایت بهداشت عمومی از سوی قصاب‌ها (ابن الاخوه، ۱۳۵۷ق، ص ۱۵۷) بود.

البته قابل ذکر است که هر چند اکثر مکاتب اقتصاد متعارف، تنها به کارایی صرف در حقوق رقابت اعتقاد دارند، اما مکاتبی مانند مکتب هاروارد نیز همچون اقتصاد اسلامی معتقد است که باید در حقوق رقابت علاوه بر اهداف اقتصادی، اهداف غیراقتصادی نیز گنجانده شود.

در دیدگاه مکتب هاروارد، بازار ناقص‌تر از آن است که بتوان برای حل تمام دغدغه‌ها و مشکلات جامعه، تنها به آن تکیه کرد. به عقیده پیروان این مکتب، بهبود عملکرد اقتصادی بنگاه‌ها هدف نهایی رقابت است، اما این زمانی تحقق پیدا خواهد کرد که مشتمل بر کارایی تولیدی و تخصیصی، پیشرفت، اشتغال کامل منابع به ویژه از حیث نیروی انسانی و توزیع عادلانه‌ی درآمدها و قدرت اقتصادی باشد (Schwartz, 1979, p.1076). لذا اهداف غیراقتصادی نیز در تمهید قواعد حقوق رقابت نقش داشته و دارای اهمیت هستند، زیرا بازار به عنوان بستر حقوق رقابت، واقعیتی اجتماعی است که از سایر عوامل و پدیده‌های اجتماعی تفکیک ناپذیر است (Valentine, 1997, p.26).

هر چند اهداف غیر اقتصادی مکتب هاروارد و اقتصاد اسلامی با یکدیگر متفاوت می‌باشد، اما نقطه مشترک این دو دیدگاه این است که تنها به موضوع کارایی اقتصادی توجه ندارند و ابعاد حقوق رقابت را بسیار وسیع‌تر از دیگر مکاتب اقتصادی متعارف می‌دانند که همین سبب می‌شود که ماهیت اقتصاد تنظیم‌گری در این مکاتب به واسطه تفاوت در حقوق رقابت آنها، تفاوت قابل ملاحظه‌ای نسبت به ماهیت اقتصاد تنظیم‌گری دیگر مکاتب اقتصادی داشته باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این مقاله مفهوم اقتصاد تنظیم‌گری از دیدگاه برخی مکاتب اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی مورد مقایسه قرار گرفت. با توجه به اینکه رقابت و تنظیم‌گری رابطه بسیار تنگاتنگی با یکدیگر دارند، لذا زمانی که ماهیت حقوق رقابت در این مکاتب مشخص شود، در این صورت خواهیم توانست نقش نهاد تنظیم‌گر را در مورد آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مکاتب اقتصاد متعارف همچون مکتب کلاسیک و شیکاگو، تنها به کارایی صرف در حقوق رقابت اعتقاد دارند، در حالی که تنها کارایی اقتصادی مورد پذیرش اندیشمندان اسلامی نیست. در واقع با بررسی نهاد حسبه به عنوان نهادی که متولی و مجری حقوق رقابت در اقتصاد اسلامی می‌باشد، مشخص شد که این نهاد علاوه بر فراهم نمودن اهداف اقتصادی، اهداف غیراقتصادی از جمله فعالیت‌های اخلاقی، بهداشتی و... را نیز برعهده دارد. البته شایان ذکر است که هرچند اکثر مکاتب اقتصاد متعارف، تنها به کارایی صرف در حقوق رقابت اعتقاد دارند، اما مکاتبی مانند مکتب هاروارد نیز همچون مکتب اقتصاد اسلامی معتقد است که باید در حقوق رقابت علاوه بر اهداف اقتصادی، اهداف غیراقتصادی نیز گنجانده شود. گرچه اهداف غیراقتصادی مکتب هاروارد و اقتصاد اسلامی با یکدیگر متفاوت می‌باشد، اما نقطه مشترک این دو دیدگاه این است که تنها به موضوع کارایی اقتصادی توجه ندارند و ابعاد حقوق رقابت را بسیار وسیع‌تر از دیگر مکاتب اقتصادی متعارف می‌دانند که همین سبب می‌شود که ماهیت اقتصاد تنظیم‌گری در این مکاتب به واسطه تفاوت در حقوق رقابت آنها، تفاوت قابل ملاحظه‌ای نسبت به ماهیت اقتصاد تنظیم‌گری دیگر مکاتب اقتصادی داشته باشد.

امروزه نهادهای تنظیم‌گر نوینی به منظور اجرای حقوق رقابت در نظر گرفته شده است که از جمله آنها می‌توان کمیسیون تجارت فدرال آمریکا^{۲۷} را نام برد. در ایران نیز «شورای رقابت» به عنوان نهادی نوپا در همین راستا ایجاد شده است. به نظر می‌رسد بررسی فقهی-اقتصادی شورای رقابت و مقایسه‌ی آن با نهاد حسبه به عنوان یک نهاد معیار تنظیم‌گری، می‌تواند راهکارهای بسیار خوبی را در اختیار حکومت اسلامی قرار دهد و به غنای ادبیات اقتصاد تنظیم‌گری از دیدگاه اقتصاد اسلامی بیافزاید.

یادداشت‌ها

۱. مقاله پیشرو مستخرج از رساله دکترای آقای محمدعظیم‌زاده آرانی تحت عنوان «طراحی نهاد مطلوب تنظیم‌گری، مطالعه موردی بازار گاز ایران» می‌باشد.

2. Regulatory Economics
3. Journal of Regulatory Economics & Utilities Policy
4. Stigler
5. Peltzman
6. Spiller And Tommasi
7. Crew and Parker
8. Regulatory State
9. Word Governance Indicators
10. Regulation
11. Intervention
12. The Theory of Economic Regulation
13. Stigler
14. Public Interest Theory
15. Normative Perspective Theory
16. NPT
17. Capture Theory
18. Peltzman
19. Toward a More General Theory of Regulation

۲۰. ویل للمطفین

۲۱. قَوْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدٍ يَوْمٍ عَظِيمٍ

۲۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ

۲۳. «حسبه» از ریشه «حسب» و به معنای شمارش کردن، امید مزد و ثواب از خدای

عزوجل، نیکویی در تدبیر و اداره امور و حسابرسی آمده است (ابن منظور، ۴۰۸،

ج ۳، ص ۳۰۶؛ ماوردی، بی تا: ۲۰۸؛ جوهری، ۱۳۶۸، ج ۱: ص ۱۱۰؛ منتظری، ۱۴۰۹،

ج ۳، صص ۴۰۳-۴۰۴).

۲۴. وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

25. Posner

26. Bork

27. Federal Trade Commission

کتابنامه

- ابن اخوه، محمد بن احمد القرشی (۱۴۰۸ق)، *معالم القریه فی احکام الحسبه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ابن عبدون (۱۳۵۲ق)، *رساله فی القضاء و الحسبه*، بی‌جا.
- ابن منظور، محمد (۱۴۰۸ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، جلد ۳.
- اطروش، حسن (۱۳۷۲ق)، *الاحتساب*، بی‌جا.
- باقری، محمود و محمد صادقی (۱۳۹۲)، «حسبه؛ ابزار حقوق اسلامی در نظارت و کنترل بازارهای رقابت‌پذیر و رقابت‌ناپذیر»، *دانش‌نامه حقوق اقتصادی*، شماره ۴، صص ۷۸-۱۰۳.
- باقری، محمود و مهدی رشوندبوکانی (۱۳۸۷)، «حقوق رقابت و دفاع از تمامیت بازار در فقه امامیه»، *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، شماره ۲۸، صص ۵۱-۸۶.
- بحرانی (آل عصفور)، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق)، *الحدائق الناظره فی احکام العترة الطاهره*، مصحح: محمدتقی ایروانی و سید عبدالرزاق مقرر، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۶۸ق)، *دارالعلم للملایین*، بی‌جا.
- حسینی، سید شمس‌الدین و افسانه شفیعی (۱۳۸۶)، «تعامل دولت و بازار و رویکرد تنظیم در اقتصاد ایران؛ تأملی در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی»، *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۴۳، صص ۲۵-۶۰.
- حسینی عاملی، سید جواد بن محمد (۱۴۱۹ق)، *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، جلد ۱۲، چاپ ۱.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۹۱)، *الحیاه*، مترجم: احمد آرام، تهران: دلیل ما.
- حلی، ابن ادریس و محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق)، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، جلد ۲، چاپ ۲.
- خاور، محمد (۱۳۵۵)، «گران‌فروشی و کم‌فروشی و احتکار از نظر شریعت اسلام و قوانین جاری مملکتی»، *حقوقی دادگستری*، به نقل از www.hoghooghdanan.com

راوندی، قطب‌الدین و سعید بن عبدالله (۱۴۰۵ق)، *فقه القرآن*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، جلد ۲، چاپ ۲.

رنانی، محسن (۱۳۷۶)، *بازار یا نا بازار*، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
زرانژاد، منصور (۱۳۸۱)، «تأملی در ویژگی‌های بازار از نظر اسلام و تاریخ مسلمانان»،
پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار، شماره ۷ و ۸، صص ۱-۲۴.
زید، شارل و شارل ریست (۱۳۷۰)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، مترجم: کریم سنجابی، تهران:
دانشگاه تهران.

سنامی، عمر بن محمد (۱۴۰۶ق)، *نصاب الاحتساب*، چاپ مرین عسیری.
سید رضی (۱۳۸۵)، *نهج البلاغه*، مترجم محمد دشتی، تهران: الهادی.
صادقی، محمد (۱۳۹۳)، «تفکیک بازار از نابازار و تأثیر آن بر گستره اعمال حقوق رقابت»،
پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
صدر، محمدباقر (۱۳۸۲)، *اقتصاد ما*، مترجم: محمدکاظم موسوی، تهران: نشر برهان.
عبدالرحمان بن نصر شیزری (۱۴۰۱ق)، *نهایة الرتبة فی طلب الحسبة*، بیروت: چاپ سید باز
عربی.

غزالی، محمد بن محمد (۱۴۰۶ق)، *احیاء علوم‌الدین*، بیروت: دارالکتاب العزی.
فراهانی‌فرد، سعید (۱۳۸۱)، *سیاست‌های اقتصادی در اسلام*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه
اسلامی.

فلاح‌زاده، علی محمد و محمود باقری (۱۳۸۸)، «مبانی حقوق عمومی حقوق رقابت (با نگاهی
به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)»، *حقوق*، شماره ۳، صص ۶۳-۸۲.
گریفین، دبلیو آر و جی مورهد (۱۳۸۲)، *رفتار سازمانی*، مترجم: سیدمهدی الوانی و غلامرضا
معمارزاده، تهران: مروارید.

ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد (۱۴۱۰ق)، *الاحکام السلطانیة و الولایات الدینیة*، بیروت:
چاپ خالد عبداللطیف السبع العلمی.

منتظری، حسینعلی (۱۴۰۸ق)، *دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الاسلامية*، قم: مركز العالمی للدراسات الاسلاميه، جلد ۱ و ۲.

منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ق)، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، قم: مؤسسه کیهان، چاپ ۱.
موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۱ق)، *البيع*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، جلد ۲، چاپ ۱.

موسویان، سید عباس (۱۳۸۲)، «جایگاه دولت در اقتصاد از دیدگاه اسلام»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۰، صص ۵۳-۸۰.

نراقی، مولی محمد مهدی بن ابی ذر (۲۰۹ق)، *انيس التجار (محشی)*، شرح سید محمدکاظم طباطبایی و سید اسماعیل صدرعاملی و عبد‌الکریم حائری‌یزدی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ ۱.

هادی‌فر، داود (۱۳۸۹)، *نهادهای حقوقی تنظیم مقررات؛ ساختار و سازوکار اجرایی*، تهران: عترت نو.

هاروی، دیوید (۱۳۸۶)، *نتولیبیرالیسم؛ تاریخ مختصر*، مترجم: محمود عبدالله‌زاده، تهران: اختران.
یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۵)، «روش‌های کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۲۲، صص ۱۴۷-۱۷۶.

- Arrow, K. J. (1969). The Organization of Economic Activity: Issues Pertinent to the Choice of Market Versus Nonmarket Allocation. *The Analysis and Evaluation of Public Expenditure: the PPB System, 1*, 59-73.
- Baldwin, R., Cave, M., & Lodge, M. (2012). *Understanding Regulation: Theory, Strategy, and Practice*. Oxford University Press on Demand.
- Becker, G. S. (1983). A Theory of Competition Among Pressure Groups for Political Influence. *The Quarterly Journal of Economics*, 371-400.
- Biglaiser, G., & Ma, C. T. A. (1999). Investment Incentives of a Regulated Dominant Firm. *Journal of Regulatory Economics*, 16(3), 215-236.
- Bork, R. (1993). The Antitrust Paradox: A Policy at War with Itself.
- Crew, M., & Parker, D. (2005). Development in the Theory and Practice of Regulatory Economics. *International Handbook on Economic Regulation*.
- Dibadj, R. (2006). *Rescuing Regulation* State University of New York (SUNY) Press.
- Esposito, J. L. (Ed.). (2004). *The oxford dictionary of Islam*. Oxford University Press.

- Le Grand, J. (1991). The Theory of Government Failure. *British journal of Political Science*, 21(04), 423-442.
- Jordana, J., & Levi-Faur, D. (Eds.). (2004). *The politics of Regulation: Institutions and Regulatory Reforms for the Age of Governance*. Edward Elgar Publishing.
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2009). Governance Matters VIII: Aggregate and Individual Governance Indicators, 1996-2008. *World bank Policy Research Working Paper*, (4978).
- Kolm, S. C. (1996). *Modern Theories of Justice*, 1ère éd.
- Morgan, B., & Yeung, K. (2007). *An Introduction to Law and Regulation: Text and Materials*. Cambridge University Press.
- Muller, J. Z. (1995). *Adam Smith in His Time and Ours: Designing the Decent Society*. Princeton University Press.
- Spiller, P. T., & Tommasi, M. (2005). The Institutions of Regulation: An Application to Public Utilities. In *Handbook of New Institutional Economics*, 515-543. Springer US.
- Peltzman, S. (1976). Toward a More General Theory of Regulation, *The Journal of Law and Economics*, 19, 211-240.
- Stigler, G. J. (1971). The Theory of Economic Regulation. *The Bell Journal of Economics and Management Science*, 3-21.
- Stucke, M. E. (2010). Money, Is That What I Want?: Competition Policy & the Role of Behavioral Economics. *Santa Clara Law Review*, 50.
- Taylor, M. D. (2006). *International Competition Law: A New Dimension for the WTO?*. Cambridge University Press.
- Valentine, D. A. (1997). The Goals of Competition Law, Available at: <http://www.ftc.gov/speeches/other/dvspeech.shtm>.

A Comparative Analysis of the Regulatory Economics Between Islamic and Conventional Economics with Regard to Competition Law

*Farshad Momeni**

*Abdol Rasoul Ghasemi***

*Mohammad Reza Shokohi****

*Mohammad Azimzadeh Arani*****

Received: 06/08/2015

Accepted: 19/06/2016

The Regulatory Economics concept has been closely associated with the concept of competition and this relationship has been highlighted during recent decades. Today, Regulation and competition have inseparable relationship with each other in the economy, so that sometimes the "regulation for competition" methods are used in the market to indicate that the regulator is required to compete in the current economic environment. The main issue of this paper is the comparative analysis of the regulatory economics concept between Islamic and conventional economics with regard to competition law. The nature of competition law is considered as a theoretical framework.

This study was conducted with the comparative-analytical approach. The findings show that conventional economics schools such as the classical and Chicago schools only consider the efficiency of competition law while Islamic scholars believe other factors moreover the efficiency. In fact, the study of Hesbe as a regulatory body indicate that this institution is responsible for economic and non-economic objectives. Therefore, the regulatory nature has a significant difference in Islamic economics and other schools.

Keywords: Regulatory Economics, Regulatory Body, Competition Law, Hesbe

JEL Classification: H11, K21

* Associate Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabai University (Corresponding Author), f.momeni@atu.ac.ir

** Assistant Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabai University, a.ghasemi@atu.ac.ir

*** Assistant Professor, University of Technology, shokouhi@put.ac.ir

**** PhD Student of Economics of Oil and Gas, Allameh Tabatabai University azimzadeh.m34@gmail.com